



Quran and Hadith Studies

علوم قرآن و حدیث

Vol. 51, No. 1, Issue 102

سال پنجاه و یکم، شماره ۱، شماره پیاپی ۱۰۲

Spring & summer 2019

بهار و تابستان ۱۳۹۸، ص ۲۰۱-۲۲۴

DOI: <https://doi.org/10.22067/naqhs.v51i1.59625>

### تحلیل استراتیژی گفتمان ادبی خطبه ششقیه\*

سعبده محمودی

دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه لرستان

Email: mahmoodi2233@gmail.com

دکتر حسین چراغی وش<sup>۱</sup>

استادیار دانشگاه لرستان

Email: cheraghivash.h@lu.ac.ir

دکتر سید محمود میرزایی الحسینی

دانشیار دانشگاه لرستان

Email: mirzaei.m@lu.ac.ir

### چکیده

خطبه ششقیه به عنوان یکی از مهم‌ترین خطبه‌های امام علی علیه السلام همواره مورد توجه پژوهشگران و محققان ادبیات قرار گرفته است و ایشان عموماً با تمرکز بر واحدهای مستقل زبان و بدون در نظر گرفتن بافت موقعیتی ایراد خطبه به بررسی و کشف ابزارهای زیباسازی این اثر ارزشمند همت گماشته‌اند. تحلیل گفتمان که در واقع ادامه سبک شناسی با رویکرد تحلیل سخن در سطوح فراتر از جمله است، ساختارهای مختلف متون ادبی را با عنایت به بافت موقعیتی آن‌ها تحلیل کرده و خارج از بافت موقعیت، آن را غیرقابل تفسیر می‌داند. پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی و از منظر تحلیل گفتمان ادبی به بررسی ساختارهای مختلف خطبه براساس بافت موقعیتی آن پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که موقعیت ایراد خطبه از قبیل انکار شایستگی‌های حضرت، اتهام کوتاهی ایشان در امر خلافت و قیاس‌های غیر منصفانه ایشان با خلفای سه گانه باعث شده که ساختارهای مختلف خطبه نه به عنوان صرفاً ابزار زیباسازی متن بلکه به عنوان ابزاری در جهت تبیین حقایق، رفع اتهامات و قیاس‌ها، اثبات حقانیت و برتری حضرت علیه السلام و نهایتاً اقناع مخاطب به خدمت گرفته شده‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** تحلیل گفتمان، گفتمان ادبی، خطبه ششقیه.

\* مقاله پژوهشی؛ تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۷/۲۷؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۶/۷/۲۶.

۱. نویسنده مسئول

## Analysis of the Literary Discourse Strategy in the Shaqshaqiya Sermon

Saeedeh Mahmoudi, M.A Graduate, University of Lorestan

Dr. Hossein Cheraghivash (corresponding author), Assistant Professor at Lorestan University

Dr. Seyed Mahmood Mirzaei Al-Husseini, Associate Professor at Lorestan University

### Abstract

The Shaqshaqiya Sermon, as one of the most important sermons preached by Imam Ali (AS), has always been the subject of growing scholarly attention. However, researchers have generally relied on separate and independent units of language, irrespective of the sermon context, to explore and unravel the linguistic tools adopted in this invaluable work. Discourse analysis, which is in fact an expansion of stylistics founded upon a speech analysis approach beyond the sentence level, analyzes various structures of literary texts with respect to their situational context, presuming that they will be uninterpretable outside such a situational context. The present study, by adopting a descriptive-analytical method, seeks to explore disparate structures of the sermon based on its situational context from the perspective of the of literary discourse analysis. The results suggest that the context in which the sermon has been delivered, including the repudiation of Imam Ali's merits, accusations against Imam's negligence in caliphate matters and unfair analogies drawn between Imam and other three caliphs, has wield influence on its semantic implications. That is, different structures of the sermon, not only serve as a means of textual embellishment, but also as a tool of explaining the facts, refuting allegations and analogies, proving legitimacy and supremacy of the Imam Ali (AS), and ultimately convincing the reader.

**Keywords:** Discourse Analysis, Literary Discourse, Shaqshaqiya Sermon

## مقدمه

«گفتمان» (discourse) یک واژه فرانسوی است که از ابتدای قرن ۲۰ در علوم انسانی تبدیل به موضوعی علمی و تجربی شد. (شرشار، ۱۳) و به معنای مراد کلامی، سخن و گفتگو، بده بستانی بین گوینده و شنونده، مباحثه درباره یک موضوع و گپ زدن است (میلز، ۱۰-۷)، از جمله ابزارهای تحلیل متون ادبی، تحلیل گفتمان است. در نظریه تحلیل گفتمان، در کنار ساختار متن، بافت موقعیت نیز جهت تحلیل متون از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. «در تحلیل گفتمان بر خلاف تحلیل‌های سنتی زبان شناسانه، دیگر صرفاً با عناصر نحوی و لغوی تشکیل دهنده جمله به عنوان عمده‌ترین مبنا یعنی زمینه متن سروکار نداریم، بلکه فراتر از آن با عوامل بیرون از متن یعنی بافت موقعیتی، فرهنگی، اجتماعی و غیره سروکار داریم» (فرکلاف، ۸). تحلیل گفتمان ادبی یکی از شاخه‌های تحلیل گفتمان است، «بحث درباره گفتمان ادبی و ارتباط آن با نقد، از ابتدای قرن بیستم در رأس تلاش‌های پژوهشگران قرار گرفت» (شرشار، ۲۶). «بسیاری از گفتمان‌ها از جمله گفتمان ادبی بر این موضوع تأکید دارند که زبان تحت تأثیر احساس و ادراک ما از دنیای بیرون، به تولید منجر شده و به این ترتیب گفتار پدیدار می‌شود» (شعیری، ۱۹).

در گفتمان ادبی، ادیب می‌کوشد با ایجاد تناسب میان عناصر زیباشناختی ادبی و بافت موقعیت به اقناع و اثرگذاری بر مخاطب پردازد و افکار مورد نظر را به او انتقال دهد.

این پژوهش در پی آن است که از منظر تحلیل گفتمان ادبی، با کشف ارتباط بین ابزارهای ادبی خطبه و بافت موقعیتی به تجزیه و تحلیل خطبه مذکور پرداخته و نشان دهد که تمامی ساختارهای متنی این خطبه، متناسب با بافت موقعیتی آن، نقش بسیار مهمی در تبیین حقایق و راهنمایی مخاطب جهت شناخت و انتخاب رهبری شایسته داشته است.

در این پژوهش، ابتدا به تحلیل بافت موقعیتی خطبه مذکور می‌پردازیم، بافت موقعیت عبارت است از «زمینه و شرایطی که سخن در آن جریان می‌یابد، و از آن با اصطلاحاتی مانند: زمینه، بافت، بافت موقعیتی، سیاق و در بلاغت قدیم با عنوان اقتضای حال یا مقتضای حال و اعتبار مناسب تعبیر کرده‌اند، در نظر بلاغیان والایی سبک در مقبولیت و مطابقت آن با اعتبار مناسب است و پستی آن در عدم مطابقت آن». (فتوحی رود معجنی، ۵۷) و سپس به تحلیل بافت متنی خطبه پرداخته می‌شود، بافت زبانی یا متنی: «از پیوند کلمه‌ها و جمله‌ها و روابط واژگانی با هم پدید می‌آید (همان، ۶۰). «تحلیل متن به عنوان بخشی از تحلیل گفتمان متشکل از دو بخش است: تحلیل زبان‌شناسی و تحلیل بینامتنی که این دو مکمل یکدیگرند» (فرکلاف، ۱۱۷). در این مرحله، ابتدا بافت محتوایی خطبه توضیح داده می‌شود زیرا «در

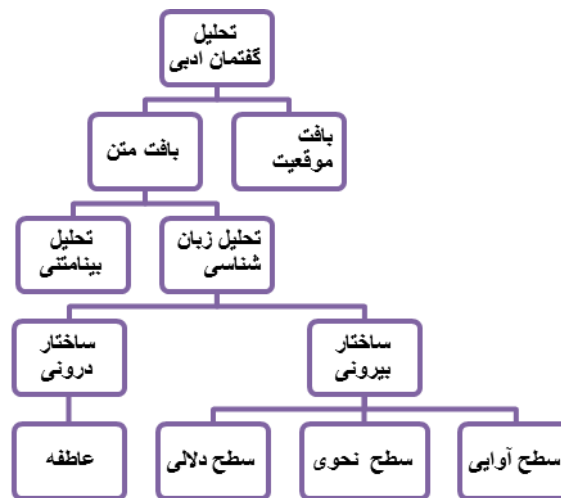
گفتمان جدایی بین شکل و مضمون رد می‌شود و ساختارها و اشکال زبانی در کنار هدف نویسنده مورد بررسی قرار می‌گیرند» (فضل، ۷۸) و سپس به تحلیل زبان‌شناختی (ساختار بیرونی و درونی) متن پرداخته می‌شود، در بررسی بافت ساختاری خطبه، در کنار ساختار بیرونی، ساختار درونی نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد، زیرا «هیچ‌کس نمی‌تواند منکر بعد عاطفی گفتمان شود» (شعیری، ۱۳۸-۱۳۷).

در تحلیل بافت ساختار بیرونی، کامل‌ترین دسته‌بندی پیشنهادی در کتاب «بلاغه الخطاب و علم النص»، تألیف دکتر صلاح فضل ملاک قرار گرفته است. که عبارت است از:

۱. سطح آوایی، به بحث صوتی گفتمان مربوط شده و ایجاد هیجان می‌کند،

۲. سطح نحوی: در این بخش به بررسی ساختمان جمله‌ها پرداخته شده است.

۳. سطح دلالی: این سطح معمولاً محور دسته‌بندی‌های بلاغی است که مهم‌ترین انواع آن عبارت‌اند از: تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه. لازم به ذکر است که صنایع بدیع معنوی همچون طباق، توریه، مبالغه و ... نیز از آن جهت که جنبه معنایی کلام، در این صنایع مد نظر است در این تقسیم‌بندی قرار می‌گیرند (فضل، ۲۱۹-۲۰۹). بعد از بررسی و تحلیل زبان‌شناسی متن، به تحلیل روابط بینامتنی پرداخته می‌شود.



### بررسی بافت موقیعتی

«امام (ع) در این خطبه به تبیین بخشی از حقایق و واقعیت‌هایی پرداخته و از انسانی سخن می‌گوید که در به‌دست گرفتن زمام خلافت و پیشوایی مردم، شایسته‌ترین افراد بعد از رسول خدا (ص) است، گویی هدف ایشان راهنمایی و ارشاد جهت شناخت و انتخاب رهبری شایسته و پیشوایی عادل است» (فاضلی،

۵۹). از طرفی مطالعه خطبه و دقت در انگیزه و علت ایراد آن، این نکته را مشخص می‌سازد که: «حضرت (ع) در برابر اتهاماتی همچون ریاست طلبی، استبداد رأی و عدم اعتنا به مشورت دیگران و مقایسه ایشان با سایر خلفا و ادار به دفاع از خویش می‌شود و در شرایط خاصی قرار می‌گیرد که بیان این مسائل را ضروری می‌داند» (عرب و همکاران، ۳۰۷۴).

ابن جوزی می‌گوید: «امیرالمؤمنین (ع) بر منبر بود، شخصی از میان صف صدا زد چه باعث شد که تا به حال در به دست گرفتن خلافت کوتاهی کردی؟ امام (ع) در پاسخ به او، این خطبه را ایراد فرمودند» (ابن الجوزی، ۱۲۴). به نظر می‌رسد مقایسه ناعادلانه امام (ع) با سایر خلفا، انکار شایستگی‌ها و برتری‌های امام (ع) از سوی مخاطب و همچنین اتهامات مختلفی که متوجه ایشان است را می‌توان از جمله شرایط حاکم بر آن دوران دانست، لذا گویی تبیین بعضی حقایق و رد اتهامات و قیاس‌های ناعادلانه، جهت اثبات جایگاه و ارزش امام (ع) صورت پذیرفته است.

### بررسی بافت متنی

در بررسی بافت متنی، ابتدا تحلیل بافت محتوایی و سپس تحلیل زبان‌شناختی صورت می‌گیرد. در تحلیل زبان‌شناختی، ابتدا بافت ساختاری (ساختار بیرونی و درونی) و در نهایت روابط بینامتنی خطبه مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

#### ۱. بررسی بافت محتوایی

خطبه مذکور در بردارنده موضوعات مختلفی مانند شکایت از خلفای سه گانه و مشکلات دوران خلافت آن‌ها، بیان شایستگی‌ها و صبر حضرت (ع) در برابر مسأله غصب خلافت، توصیف ازدحام بیعت کنندگان و بیان نگرش ایشان درباره خلافت است.

#### ۲. بررسی بافت ساختاری

که خود به دو بخش ساختار بیرونی و ساختار درونی تقسیم می‌شود.

##### اول: بررسی ساختار بیرونی

بر اساس الگوی پیشنهادی صلاح فضل ابتدا بخش آوایی و سپس بخش‌های نحوی و دلالی از منظر تحلیل گفتمان ادبی تجزیه و تحلیل شده و تناسب آن با بافت موقعیتی نشان داده می‌شود.

**سطح آوایی:** گفتمان امام (ع) در خطبه ششقیه دارای نوعی موسیقی درونی است که منشأ آن، تکرار حروف می‌باشد، امام (ع) در این خطبه جهت اثبات شایستگی‌های خویش و راهنمایی مخاطب در شناخت و انتخاب رهبری شایسته، آشکارا به تبیین واقعیت‌ها و دفاع از خویش می‌پردازد، گویی بیان این

واقعیت‌ها به دور از هرگونه ابهام، مخاطب را در فهم کامل حقایق یاری می‌رساند، لذا به نظر می‌رسد کاربرد بعضی حروف، همگی در راستای تحقق هدف مورد نظر می‌باشد، زیرا «آهنگ گفتمان هدفمند است و براساس نظم و برنامه خاصی ظاهر یا ناپدید می‌شود» (شعیری، ۱۵۲).

### الف: حروف لین و ساکن

از جمله این حروف، حروف لین (الف) می‌باشد که (۱۳۸ مرتبه) در گفتمان مذکور تکرار شده است، در حالی که دیگر اصوات لین یعنی (واو) (۱۴ مرتبه) و (یاء) (۳۰ مرتبه) تکرار شده‌اند. لازم به توضیح است که: اصوات در زبان عربی دو دسته‌اند: ۱. اصوات لین (الف-واو-یاء) ۲. اصوات ساکن که شامل بقیه اصوات هستند. اصوات لین بر اساس طبیعت خود از اصوات ساکن واضح‌ترند، خود اصوات لین نیز در وضوح شنیداری در یک حد نیستند، بلکه بعضی از آن‌ها از وضوح شنیداری بیشتری برخوردار هستند مثلاً (الف) از (واو و یاء) واضح‌تر است (انیس، ۲۹-۲۷). امام (ع) در شرایط خاصی جهت دفاع از خویش، آشکارا به تبیین واقعیت‌هایی می‌پردازد که شنیدن آن، جایگاه و برتری ایشان را برای مخاطب اثبات می‌کند اتهامات مذکور را از ایشان دور می‌سازد، مثلاً در پاراگراف «أَمَا وَاللَّهِ لَقَدْ تَقَمَّصَهَا ..... إِلَىٰ فُلَانٍ بَعْدَهُ» که شایستگی‌ها و شکیبایی امام (ع) در برابر مسأله غصب خلافت مطرح می‌شود تکرار صوت الف (۲۹ مرتبه) باعث می‌شود مخاطب، این ویژگی‌ها را به صورت آشکار بشنود، از آنجا که توضیح این واقعیت‌ها جهت اثبات حقیقت، امری ضروری به حساب می‌آید، گزینش این صوت جهت تحقق هدف مذکور کاملاً هدفمند است.

### بسامد اصوات ساکن

لام	نون	میم	هاء	تاء. ۶۸	راء ۶۶	واو ۶۳	همزه. ۶۰	یاء	عین
۱۳۸	۸۸	۷۸	۷۸					۵۵	۵۱
باء	فاء	قاف	حاء	دال	سین	کاف	طاء	صاد	جیم
۵۰	۴۱	۳۰	۳۰	۲۸	۲۵	۲۲	۱۸	۱۷	۱۷
شین	خاء	ضاد	ذال	ثاء	غین	زاء	ظاء		
۱۶	۱۵	۱۴	۱۱	۱۰	۷	۶	۵		

چنانکه مشاهده می‌شود از میان اصوات ساکن سه صوت (لام-میم-نون) به نسبت سایر اصوات ساکن از بالاترین بسامد برخوردار می‌باشند. این سه صوت به نسبت بقیه اصوات ساکن از وضوح شنیداری بیشتری برخوردار هستند و به طبیعت اصوات لین نزدیک‌ترند (همان، ۲۸).

بعد از تکرار صوت (الف)، از میان اصوات ساکن، از اصواتی که از لحاظ وضوح شنیداری در اولویت قرار دارند و در نتیجه واضح‌تر شنیده می‌شوند برای بیان واقعیت‌ها استفاده شده است، مثلاً آنجا که به توصیف روز بیعت و سپس کارشکنی بعضی از بیعت‌کنندگان پرداخته شده صوت الف (۲۷ مرتبه) صوت لام (۳۵ مرتبه) صوت نون (۲۴ مرتبه) و صوت میم (۱۷ مرتبه) تکرار شده است «فَمَا رَاعَنِي إِلَّا... وَ رَأَقَهُمْ زُبْرُجُهَا».

با این عبارات به گوشه‌ای از مشکلات دوران خلافت امام (ع) که در نتیجه کارشکنی بعضی از بیعت‌کنندگان به وجود آمده بود، اشاره می‌شود، «بیعت با امام (ع) در شرایطی انجام شد که از نظر بسیاری از ویژگی‌ها با شرایطی که ابوبکر و یا حتی دو خلیفه پس از او، در آن به خلافت رسیده بودند بسیار متفاوت بود، از نظر زمانی جامعه زمان امام (ع) از دوران پیامبر (ص) دور شده بود و به همان نسبت گرفتار بازگشت ارزش‌های سنتی بود» (ولوی و همکاران، ۱۶۶).

لذا به نظر می‌رسد از طریق عبارات فوق، تفاوت دوران خلافت ایشان با دوران خلفای پیشین که جامعه از ثبات بیشتری برخوردار بود، در قالب الفاظی واضح و آشکار مشخص می‌شود، گویی توضیح آشکار مطالب در این بخش از گفتمان امام (ع)، جهت از بین بردن قیاس‌هایی که اساساً غیر منصفانه و مقایسه بین دو شرایط کاملاً متفاوت است، امری ضروری به حساب می‌آمده، لذا جهت شفاف‌سازی امور از این اصوات جهت تحقق هدف مورد نظر استفاده شده است.

#### ب: جهر و همس

یکی دیگر از نکات قابل بررسی در بخش موسیقی درونی گفتمان امام (ع)، نحوه کاربرد حروف جهر و همس در این گفتمان است. «همس از نظر لغت پنهان شدن است و اصطلاحاً، حروف همس، حروفی هستند که به هنگام تلفظ آن‌ها تارهای صوتی به حرکت در نمی‌آید همس دارای صفت ضعیف است که عبارت‌اند از: (هاء، حاء، شین، سین، فاء، صاد، تاء، ثاء، کاف، خاء)... جهر همان لرزش همراه صداست که در نتیجه حرکت تارهای صوتی حاصل می‌شود و تا حدودی شبیه صدای زنبور عسل است، جهر از نظر لغت به معنای آشکار کردن است و اصطلاحاً، جهر، به حروفی اطلاق می‌شود که هنگام تلفظ آن حروف، تارهای صوتی به حرکت در می‌آید، به جز حروف ده‌گانه مهموس، بقیه حروف، مجهور هستند جهر دارای صفت قوت است (زرقه، ۹۱-۹۰). اصوات مجهور از اصوات مهموس آشکارترند (انیس، ۲۸). با توجه به دو صفت حروف مجهور (آشکاری و قوت) شاید بتوان گفت که موقعیت ایراد خطبه که همان انکار جایگاه امام (ع) از سوی مخاطب و همچنین ایراد اتهامات و قیاس‌ها می‌باشد، در گزینش و کاربرد این حروف نقش بسزایی داشته است، چرا که جهت از بین بردن انکار نیاز به اثبات است و به نظر می‌رسد اصوات

مجهور به خاطر دارا بودن صفت آشکاری و قوت، متناسب با این موقعیت می‌باشند. به عبارت دیگر با اصواتی قوی و آشکار به بیان حقایق و در نتیجه رد انکار پرداخته شده است. نسبت جروف جهر به همس در گفتمان امام (ع) (۷۷۷) به (۳۲۲) است.

مثلاً در عبارت «أَمَّا وَاللَّهِ... فَلَانَ بَعْدَهُ» ابتدا از طریق واژه (تَقَمَّصَ) به مسأله غضب خلافت توسط ابوبکر اشاره می‌شود و به این مسأله اشاره می‌شود که امام (ع) به خاطر رعایت مصالح مسلمین از منازعه با غاصبان خلافت خودداری فرمودند، به نظر می‌رسد این عبارات در پاسخ به اتهاماتی همچون مسامحه در امر خلافت ایراد شده تا حقیقت امر برای مخاطب مشخص شده و از مقایسه و انکار شایستگی امام (ع) دست بردارد. «حروف مجهور (قاف، باء، تاء) علاوه بر صفت قوت دارای صفت شدت نیز می‌باشند» (زرقه، ۹۱). ابراهیم انیس می‌گوید: «پژوهشگران جدید این قبیل حروف را حروف انفجاری (plosive) می‌نامند، خصوصیت حروف انفجاری، حبس شدن هوا در محل خروج حرف است به گونه‌ای که هوا اجازه عبور ندارد تا اینکه دو عضو (لب‌ها) ناگهان از هم جدا می‌شود و نفس، صدای انفجار تولید می‌کند» (انیس، ۲۴-۲۵). گویی ایشان با فریادهایی رسا و قوی به دفاع از خویش می‌پردازد، تا سخنان ایشان به گوش همگان برسد و شک و تردیدها از میان برود، شدت و کوبندگی و ویژگی انفجاری حروف (قاف ۸ مرتبه) و (باء ۱۵ مرتبه) و (طاء ۶ مرتبه) لرزشی به جان مخاطب می‌اندازد و او را از ادامه اتهامات و انکار شایستگی باز می‌دارد.

بسامد بالای بعضی حروف همس چون (تاء ۶۸ مرتبه) و (ه‌اء ۷۸ مرتبه) در سرتاسر گفتمان امام (ع) نیز قابل تأمل است. «علایلی اعتقاد دارد صوت (تاء) برای بیان آشوب درونی به کار می‌رود» (همان، ۵۴) و «صوت (ه‌اء) با لرزش‌های عمیق در حلق، آشوب درونی را به مخاطب انتقال می‌دهد» (همان، ۱۸۹). همانگونه که گفته شد خطبه مذکور در بردارنده تأسف و درد دل امام (ع) از مسأله غضب خلافت می‌باشد، بنابراین کاربرد دو حرف (تاء و ه‌اء) که نشان دهنده آشوب درونی است با حالت امام (ع) متناسب است، وجود اینگونه احساسات دلیل دیگری است که نگرش ایشان را نسبت به خلافت مشخص می‌کند، چرا که همانگونه که گفته شد خلافت برای ایشان وسیله‌ای جهت بالا بردن کلمه اسلام و هدایت مردم بود و به این ترتیب هرگونه اتهام ریاست طلبی و چشم‌داشت مادی به منصب خلافت از ایشان سلب می‌شود.

**سطح نحوی:** بررسی سطح نحوی گفتمان امام (ع) نشان می‌دهد که این خطبه در بردارنده مضامینی است که همگی آن‌ها با روش‌های مختلف مورد تأکید قرار گرفته‌اند و از این رهگذر قصد شده تا در ذهن مخاطب تثبیت شود، از جمله ابزار نحوی که در این گفتمان از بسامد نسبتاً بالایی برخوردار است تأکید است که به اشکال مختلفی در این گفتمان دیده می‌شود.



ابن جنی اعتقاد دارد: «عرب همانطور که به الفاظ و اصلاح آن می‌پردازد، معانی در نزد او از قوت، ارزش و جایگاه بیشتری برخوردار است به همین خاطر به الفاظ می‌پردازد و آن را اصلاح می‌کند به خاطر اینکه الفاظ، مقدمه معانی هستند» (ابن جنی، ۱/۲۱۷-۲۱۵) لذا ابزار متعددی جهت توجه به معنا وجود دارد «از مهم‌ترین ابزار توجه به معنا، تأکید با اشکال مختلف آن است، زیرا هرگاه چیزی مورد تأکید قرار بگیرد و تکرار شود، آن شیء مورد تأکید و آنچه که مربوط به آن می‌باشد، در جان و قلب شنونده تثبیت می‌شود» (ابراهیم عثمان، ۱۱۰).

به نظر می‌رسد موقعیت ایراد خطبه یعنی انکار برتری امام (ع) از سوی مخاطب و در نتیجه مقایسه بین امام (ع) و خلفای پیشین و اتهاماتی چون ریاست‌طلبی و استبداد رأی، از جمله انگیزه‌های تأکید در این خطبه می‌باشد. تأکیدهای پی‌درپی در این خطبه که در شکل‌های مختلف دیده می‌شود، معانی مورد نظر را چنان در ذهن مخاطب تثبیت می‌کند که امکان هرگونه مخالفت و انکاری را از بین می‌برد. به نظر می‌رسد امام (ع) با تبیین واقعیت‌هایی که از سوی هیچ‌کس انکار نمی‌شد و با تأکید این واقعیت‌ها از طریق ابزارهای مختلف تأکیدی، به دفاع از خویش پرداخته است.

درباره ابزارهای تأکیدی باید دانست که: «تأکید خبر ابزارهای فراوانی دارد که مشهورترین آن‌ها عبارت‌اند از: اِنَّ، اَنَّ، لام ابتدا، حروف تنبیه (أما- آلا)، قسم، دو نون تأکید، حروف زائد مانند تَفَعَّلَ و استَفَعَّلَ، تکرار، قد، آمای شرطیه، جمله اسمیه، ضمیر فصل و تقدیم فاعل معنوی» (هاشمی، ۶۲) که به اختصار درباره ویژگی تأکیدی بعضی از این ابزارها، توضیحاتی داده می‌شود:

أَمَّا: «افاده تأکید دارد». (زرکشی، ۲/۴۱۶) حرف تنبیه است و بر تحقق مابعد خود دلالت دارد و جمله مابعد آن حتماً با قسم آغاز می‌شود (خوئی، منهاج البراعة، ۳/۳۷).

وَاللَّهِ: از جمله ابزارهای تأکید، قسم می‌باشد، «قسم، تأکیدی است برای کلام و پوشیده نیست قسم از قوی‌ترین ابزارهای تأکید بلکه قوی‌ترین آن‌هاست» (ابراهیم عثمان، ۱۲۳).

لَقَدْ: «فعل با قد تأکید می‌شود و تَمَّصَّهَا: به خاطر حروف زائد جزء ابزار تأکید است.

(إِنَّ): نیز از دیگر ابزارهای تأکید کلام است در واقع آن «از مؤکدات جمله اسمیه می‌باشد، (إِنَّ) هرگاه

با (لام تأکید) بیاید در جواب شخص منکر است (الجرجانی، ۳۱۲).

لَيَعْلَمُ: «لام ابتداست که مضمون جمله را تأکید می‌کند در باب (إِنَّ) به خاطر کراهیت شروع جمله با دو تأکید (إِنَّ، لام) آن را از صدر جمله انتقال داده‌اند، هرگاه لام ابتدا با (إِنَّ) بیاید به منزله این است که جمله ۳ مرتبه تکرار شده، چون، (إِنَّ) به معنای ۲ مرتبه تکرار است، پس هرگاه لام ابتدا وارد شود، گویی جمله ۳ مرتبه تکرار شده است» (زرکشی، ۲/۴۰۸).

جمله اسمیه: مانند «إِنَّهُ لَيَعْلَمُ... مِنْ الرَّحَى» «أَنَّ الصَّبْرَ... أَحَجَى»، ابتدا مسأله غصب خلافت با ابزارهای مختلف مورد تأکید قرار گرفته است، شاید علت این امر رد کردن اتهام مسامحه و کوتاهی است، کاربرد حرف تحقیق «أَمَّا»، قسم صریح «وَاللَّهِ»، ابزارهای تأکید فعل همچون «لام و قد» و همچنین صیغه مزید «تَقَمَّصَ» مسأله غصب خلافت را چنان مؤکد به مخاطب انتقال می‌دهد که جای هیچ‌گونه تردیدی برای مخاطب باقی نمی‌گذارد، خصوصاً کاربرد قسم که از قوی‌ترین ابزارهای تأکید است در پذیرش مطلب از سوی مخاطب مؤثر خواهد بود، سپس شایستگی و برتری امام (ع) با ابزارهای گوناگون مورد تأکید قرار می‌گیرد، کاربرد (إِنَّ، لام تأکید و جمله اسمیه) در همان ابتدای سخن «إِنَّهُ لَيَعْلَمُ» مخاطب را مطمئن می‌سازد که این غصب خلافت آگاهانه بوده و ابوبکر نیز خود از شایستگی امام (ع) باخبر بوده است، کاربرد این دو لفظ در کنار هم به منزله این است که مطلب مورد نظر ۳ مرتبه برای مخاطب تکرار شده است، واژه «أَنَّ» و تکرار کلمه «محل»، برتری ایشان را مجدداً مورد تأکید قرار می‌دهد، سپس تکرار کلمه «صبر» و همچنین «إِنَّ» و جمله اسمیه با تأکید قرار دادن معنای صبر، اتهام مسامحه و کوتاهی در امر خلافت را از ایشان دور می‌سازد.

**تکرار:** پدیده تکرار در توصیف سوء استفاده خلیفه سوم و خویشاوندانش از بیت المال بسیار سودمند بوده است، «وَقَامَ مَعَهُ بَنُو أَبِيهِ يَخْضَمُونَ مَالَ اللَّهِ خِضْمَةً الْإِبِلِ بَيْتَةَ الرَّبِيعِ» تکرار مصدر بعد از فعل، از جمله ابزارهای تأکید فعل است، زرکشی در این باره می‌گوید: «تکرار مصدر احتمال مجاز از فاعل را دور می‌سازد، در عبارت، (ضرب الامیر اللص) امیر مستقیماً دزد را کتک زده بلکه به آن کار دستور داده است، اما در عبارت، (ضرب الامیر اللص ضرباً) دانسته می‌شود که خود امیر مستقیماً دزد را کتک زده است» (زرکشی، ۳۹۲/۲) و اینچنین حرص و طمع شدید شخص عثمان و خویشاوندانش از اموال بیت المال مورد تأکید قرار می‌گیرد، گویی امام (ع) با انگشت نهادن بر روی این افراد و تأکید بر انحرافات و سوء استفاده آن‌ها از منصب خلافت، شخصیت‌هایی را که به حق شایسته اتهام ریاست‌طلبی می‌باشند به مخاطب معرفی می‌فرماید.

**سطح دلالی:** در این بخش ابتدا به بررسی تصاویر بلاغی (تشبیه، استعاره و کنایه) پرداخته شده و نشان داده می‌شود که چگونه متناسب با بافت موقعیت از این اشکال بلاغی جهت انتقال پیام به مخاطب استفاده شده است و سپس از میان مباحث بدیع معنوی به تحلیل مبحث تضاد پرداخته می‌شود.

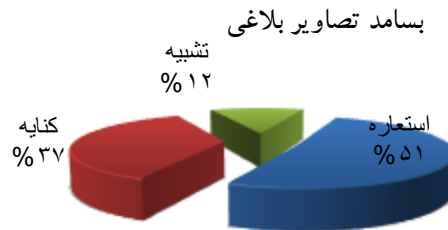
#### الف: تصاویر بلاغی

تحلیل و بررسی گفتمان این متن نشان می‌دهد که تصاویر بلاغی در ساختار گفتمان امام (ع)، به عنوان عنصری اساسی نه با هدف زیباسازی کلام بلکه به عنوان ابزاری جهت تثبیت و تأکید مفاهیم می‌باشد، این

تصویرگری در عمق جان مخاطب نفوذ کرده و معنا را به بهترین شکل منتقل می‌سازد، به نظر می‌رسد انکار جایگاه امام (ع) از سوی مخاطب، اتهام و قیاس مخاطب از یک سو و ضرورت بیان حقایق تاریخی به صورت واضح و آشکار از سوی دیگر، علت استفاده از این شیوه است چون «تصویرپردازی از مهم‌ترین عناصر محسوس جهت تأثیرگذاری در جان‌ها و تواناترین عناصر جهت تثبیت فکر و احساس می‌باشد» (جهنی، ۵۸).

هر گفتمان نتیجه یک استراتژی معین است، «استراتژی گفتمان عبارت است از روشی مناسب که فرستنده متناسب با بافت و در جهت تحقق خواسته‌ها و بیان مقاصد خویش، از طریق به کارگیری علامت‌های زبانی و غیرزبانی در پیش می‌گیرد، به گونه‌ای که منجر به تحقق اهداف او می‌شود.» (شهری، ۵۴۷-۵۴۶). در خطبه مذکور نیز شاهد نوعی استراتژی به نام استراتژی تلمیحی هستیم که از آن، به شیوه‌ای ادیبانه در جهت انتقال مقاصد به مخاطب و تحقق اهداف مورد نظر استفاده شده است. «زبان برای بیان مقصود فرستنده در تمامی سطوح زبانی دارای مواضعی می‌باشد، از جمله این سطوح، سطح دلالتی است، گاهی اوقات فرستنده با در نظر گرفتن گفتمان، متناسب با بافت موقعیت به مقصود خویش اشاره می‌کند تا از این طریق معنایی تولید شود که گفتمان به آن نیاز دارد و گیرنده پیام متوجه آن می‌شود.» (شهری، ۳۶۷). به عبارت دیگر گاهی اوقات فرستنده برای بیان هدف خویش به جای اینکه مستقیماً با عبارات صریح به بیان مقصود خویش بپردازد، متناسب با بافت موقعیت به اشاره و تلمیح روی می‌آورد و با بهره‌گیری از سطح دلالتی به بیان هدف خویش می‌پردازد، درست است که امام (ع) در این خطبه آشکارا به بیان حقایق تاریخی می‌پردازد و از تخلفات خلفای قبل پرده برمی‌دارد، اما دقت در گفتمان ایشان به روشنی مشخص می‌سازد که ایشان به جای استفاده از عبارات صریح، در قالب تصاویر بلاغی به بیان این حقایق می‌پردازد. مثلاً به جای عبارت صریح صبر تلخ و آزار دهنده، عبارت کنایی استخوان در گلو و خار در چشم (وَفِي الْعَيْنِ ... شَجَا) استفاده شده است. از سوی دیگر باید در نظر داشت که: «برقراری ارتباط بین الفاظ و هدف فرستنده در گفتمانی که دارای استراتژی تلمیحی است از دو حالت خارج نیست، یکی از این حالات این است که اشاره فرستنده به هدف، از نظر تولید زبانی شگفتی‌ساز باشد، لذا ابزار معینی مانند مجاز و انواع آن را به کار می‌گیرد، به این دلیل که، هیچ حد و مرزی قدرت نویسنده را محدود نمی‌کند و او برای ایجاد ارتباط بین الفاظ و هدف خویش، به ویژگی دلالتی گنجه‌دهن خود و گیرنده تکیه می‌کند» (همان، ۳۸۰). توضیح اینکه در این خطبه از ابزارهای بلاغی که از نظر تولیدات زبانی محدوده خاصی ندارند استفاده شده است، تصاویر بلاغی علاوه بر معنای مورد نظر، اموری از قبیل شدت، چگونگی و کیفیت معنا را نیز به مخاطب انتقال می‌دهد، در واقع متناسب با بافت موقعیت که اسلوبی تأکیدی و قوی را

می‌طلبد، از تصاویر بلاغی برای بیان حقایق استفاده شده است، زیرا در این شیوه به نسبت کاربرد عبارات صریح، هیچ حد و مرزی قدرت نویسنده را محدود نمی‌کند.



### تصویر بلاغی اول: تشبیه

#### انواع تشبیه

ردیف	جمله	مشبه	مشبه به	وجه شبه
۱	«أَنَّ مَحَلِّيَّ مِنْهَا مَحَلُّ الْقُطْبِ مِنَ الرَّحَى»	مَحَلِّي	مَحَلُّ الْقُطْبِ الْقُطْبِ: استوانه الرَّحَى: سنگ آسیاب	نظم بخشیدن به امور
۲	«فَصَاحِبُهَا ... أَسْلَسَ لَهَا تَقَحَّم»	صاحب‌ها (خلیفه)	رَاكِبِ الصَّعْبَةِ: سوار ناقه چموش	دشواری کنترل چیزی یا کسی (خلیفه دوم) بخاطر سرکش بودن و کجروی های مهلکش
۳	«فَمَا ... الصَّبْعِ إِلَى»	النَّاسُ	عُرْفِ الصَّبْعِ: یال کفتار	شدت انبوه و ازدحام
۴	«يَخْضَمُونَ ... الرَّبِيعِ»	خوردن بیت المال	خَضَمَةَ الْإِبِلِ نَيْتَةً الرَّبِيعِ: پر کردن دهان از علف بهاری	حرص و ولع در خوردن

۵	«تِلْكَ شَقِشِقَةٌ هَدَرْتُ ثُمَّ قَرَّتْ»	خطبه	کیسه گلوگاه شتر که هنگام خشم از دهانش بیرون می زند	نتیجه هیجان شدید
۶	«مُجْتَمِعِينَ حَوْلِي كَرْبِيضَةَ الْغَنَمِ»	مردم	رَبِيضَةَ الْغَنَمِ: گله گوسفند	شدت انبوه و ازدحام

به عنوان نمونه در شرح عبارت «فَصَاحِبُهَا ... لَهَا تَقَحَّم» اینچنین آمده است: «همنشین عمر همچون شخص سوار بر ناقه چموش است، اگر او را از کارها و فتوهایش منع کند این کار به نزاع و فساد منجر می شود و اگر او را به حال خودش رها کند خودش و دیگران را به هلاکت می کشاند» (قزوینی حائری، ۱/ ۱۷۰) در واقع در این عبارت با اشاره به خصوصیت ناقه سرکش به بیان خصوصیات خلیفه دوم پرداخته شده، به نحوی که مخاطب با تصور این حالت ناقه، کاملاً متوجه این خصوصیت اخلاقی خلیفه خواهد شد.

#### تصویر بلاغی دوم: استعاره

استعاره در گفتمان امام (ع) بسامد بالایی را به خود اختصاص داده است. دو فرآیند استعاره پردازی در گفتمان ادبی عبارت اند از: «استعاره جوششی و استعاره کوششی، استعاره های کوششی آگاهانه تولید می شوند، تزیینی اند و تابع موضوع، بافت کلام و انگیزه بیرونی اند. اما استعاره جوششی محصول ناخودآگاه اند، که به اقتضای انگیزه روانی و حساسیت های شناختی تولید می شوند» (فتوحی رودمعهجی، ۳۳۳). از آنجا که امام (ع) تصمیم و اراده ای از پیش برای ایراد خطبه نداشته، شاید بتوان گفت که استعاره های به کار برده شده نه به جهت زیباسازی متن، بلکه به انگیزه روانی (اثبات جایگاه خویش و رد اتهامات و مخالفت ها) تولید شده اند، لذا در کاربرد این تصاویر، هم قدرت نامحدود بیانی و هم تناسب آن ها با انگیزه روانی فرستنده که در واقع بافت موقعیتی، آن را ایجاد کرده تجلی یافته است.

#### انواع استعاره:

نوع استعاره	مستعار له	لفظ مستعار	جمله	شماره
تصریحیه	غصب خلافت	قمیص لباسی است که به بدن می چسبد	«وَ اللَّهُ لَقَدْ تَقَمَّصَهَا فُلَانٌ»	۱
تصریحیه	کمالات	السَّيْلُ	«يُنْحَدِرُ عَنِّي السَّيْلُ»	۲

۳	«لَا يَرْقَى إِلَى الطَّيْرِ»	الطَّيْرُ	انديشه	تصريحیه
۴	«أَصُولٌ بِيَدِ جَدَاءٍ»	جَدَاءٌ: دست بریده	بی یاوری	تصريحیه
۵	«أَصْبَرَ عَلَى طَخِيَةِ عَمِيَاءٍ»	طَخِيَةِ	در آمیختگی حق و باطل	تصريحیه
۶	«فَأَذَلَّى بِهَا إِلَى فُلَانٍ بَعْدَهُ.»	أَذَلَّى بِهَا	واگذاری خلافت	تصريحیه
۷	«يَوْمُ حَيَانَ أَخِي جَابِرٍ»	يَوْمُ حَيَانَ	خلافت عمر	تصريحیه
۸	«لَسَدًا مَا تَشَطَّرَا صَرَعِيهَا»	النَّاقَهُ	خلافت	تصريحیه
۹	«لَسَدًا مَا تَشَطَّرَا صَرَعِيهَا»	تَشَطَّرَ	تقسیم سود خلافت	تصريحیه
۱۰	«فَمُنِيَ النَّاسُ بِخَبْطِ وَ شِمَاسٍ»	خَبْطٌ: کجروی و بیراهه رفتن. شِمَاسٍ: سرکشی و توسنی کردن	رفتار نامنظم عمر و کجروی و انحرافات او	تصريحیه
۱۱	«إِلَى أَنْ ... حِصْنِيهِ»	نَافِحًا حِصْنِيهِ: بالا آمدن دو پهلوی شتر بر اثر پر خوری	تصرف در بیت المال	تصريحیه
۱۲	«أَنَّ قَامَ ... وَ مُعْتَلَفِهِ»	نَثِيلِهِ وَ مُعْتَلَفِهِ	مطبخ و خلأ	تصريحیه
۱۳	«إِلَى أَنْ انْتَكَّتْ عَلَيْهِ فَتَلُهُ»	فَتَلُهُ	استبداد عثمان	تصريحیه

۱۴	«وَأَجْهَزَ عَلَيْهِ عَمَلَهُ»	أَجْهَزَ	کشتن و تمام کردن کار عثمان	تصریحیه
۱۵	وَكَبْتُ بِهِ بِطَنَّتَهُ	كَبْتُ (لغزیدن و به زمین خوردن)	هلاکت ناشی از استمرار در تصرف بیت المال	تصریحیه
۱۶	«فَلَمَّا نَهَضْتُ... أُخْرَى»	مروق: بیرون رفتن تیر از بدن شکار	خروج از مسیر حق	تصریحیه
۱۷	«لَأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبَهَا»	النَّاقَةَ	خلافت	تصریحیه
۱۸	«لَسَقَيْتُ ... أَوْلَهَا»	سَقَى: نوشاندن	ترک خلافت	تصریحیه

در کتاب «البرهان فی علوم القرآن» درباره استعاره اینگونه آمده است که: از «جمله شروط استعاره آن است که در آن، تشبیه به فراموشی سپرده شود و تنها معنای آن در نظر گرفته شود» (زرکشی، ۱۹/۳). به بیان دیگر در استعاره، مبالغه در تشبیه به حدی زیاد است که تشبیه به فراموشی سپرده شده و ادعای اتحاد بین مشبه و مشبه به (مستعارله و مستعارمنه) می شود، گویی که این دو در وجه شبه اتحاد دارند به نظر می رسد در گفتمان امام (ع) در کنار قدرت بیانی نامحدود استعاره، از این ویژگی (ادعای اتحاد) نیز جهت انتقال هرچه بهتر مفاهیم استفاده شده است. به عنوان نمونه در عبارت «أَنْ أَصُولَ بَيْدٍ جَدَاءً» «جَدَاءً: که به معنای شکسته یا قطع شده است، برای بیان بی یآوری استعاره آورده شده است» (خوئی، منهاج البراعة، ۴۲/۳). گویی امام (ع) که از سوی مخاطب متهم به کوتاهی در امر خلافت است جهت رفع این اتهام، به توضیح علت صبر و عدم قیام می پردازد، بی یاور بودن ایشان به عنوان یکی از دلایل عدم قیام، در قالب لفظ مستعار

«جَدَاءً» بیان می‌شود، تصویر ناشی از عبارت استعاری «بِیْدِ جَدَاءٍ»، بی‌یاور بودن ایشان را چنان دقیق به تصویر می‌کشد که گویی هیچ واژه صریحی قادر به بیان این مطلب به این شکل نخواهد بود. همانگونه که مشاهده می‌شود غالب استعاره‌های موجود در گفتمان امام (ع) از نوع استعاره‌های مصرحه می‌باشند و آن استعاره‌ای است که تنها لفظ مشابه به در آن ذکر می‌شود. «استعاره مصرحه واضح‌ترین استعاره‌هاست» (جهنی، ۱۳۱). به نظر می‌رسد موقعیت ایراد خطبه که باعث شد امام (ع) جهت اثبات جایگاه خویش به صورت کاملاً واضح و آشکار به تبیین گوشه‌ای از حقایق تاریخی بپردازد، دلیل‌گزینش این نوع استعاره نیز باشد، گویی مخاطب از رهگذر این استعاره (به خاطر ذکر مشابه به) راحت‌تر قادر خواهد بود با در نظر گرفتن طرفین استعاره، معانی مورد نظر را درک کرده و از حقیقت باخبر شود.

#### تصویر بلاغی سوم: کنایه

کنایه نیز از دیگر تصاویر بلاغی پرکاربرد در گفتمان امام (ع) محسوب می‌شود که از رهگذر آن بعضی از مفاهیم به مخاطب عرضه شده است..

#### انواع کنایه:

ردیف	جمله	کنایه	نوع کنایه
۱	«بِنَحْدِرُ عَنِّي السَّيْلُ»	کنایه از بلندی مقام حضرت (ع)	کنایه از صفت
۲	«وَلَا يَرْقَى إِلَى الطَّيْرِ»	کنایه از نهایت علو درجه علمی ایشان	کنایه از صفت
۳	«فَسَدَلْتُ دُونَهَا ثَوْبًا»	کنایه از، روی برگردان از خلافت	کنایه از صفت
۴	«يَهْرُمُ فِيهَا ... يَلْقَى رَبَّهُ»	کنایه از شدت آمیختگی امور و مشکلات مردم در این دوران و طولانی شدن اوضاع آشفته	کنایه از صفت
۵	«فَصَبِرْتُ ... شَجًّا»	کنایه از شدت آزار و اذیت	کنایه از صفت
۶	«حَتَّى مَضَى الْأَوَّلُ لِسَبِيلِهِ»	کنایه از مردن	کنایه از صفت
۷	«فَصَبِرَهَا ... كَلِمَهَا»	کنایه از مواجهه با سخنان درشت و زخم زبان	کنایه از صفت
۸	«وَيُخْشِنُ مَسْهًا»	کنایه از طبیعت خشن عمر	کنایه از صفت
۹	«فَمَنَى النَّاسُ ... اغْتِرَاضًا»	کنایه از اعمال مختلف عمر در	کنایه از صفت



	حلال کردن حرام خدا و حرام کردن حلال		
۱۰	«يَخْضَمُونَ مَالَ اللَّهِ خِضْمَةَ الْإِبِلِ نَبْتَةَ الرَّبِيعِ» کنایه از توسعه زندگی آن‌ها از بیت‌المال		کنایه از صفت
۱۱	«إِلَىٰ أَنْ ائْتَكَّتْ عَلَيْهِ فَتْلُهُ» «فَتْلٌ» به معنای ریسمان محکم و «ائْتَكَّتْ» به معنای گسست می‌باشد و کل عبارت کنایه از شکسته شدن استبداد		کنایه از صفت
۱۲	نفع الحصنين	کنایه از استعدادی که در تصرف بیت‌المال داشت	صفت
۱۳	«وَمَالَ الْآخِرِ ... هَنِ»	کنایه از امور زشتی است که ذکر آن ناپسند است	کنایه از صفت

در باره اسلوب کنایی باید گفت: «مزیت اثبات صفت به وسیله کنایه آن است که در کنایه، صفت به وسیله دلیل، برهان و شاهد ثابت و مورد قبول واقع می‌شود» (جرجانی، ۱۱۸). در واقع «امتیاز کنایه در اثبات معنا نیست، چون معنا در کنایه ثابت شده است، بلکه امتیاز کنایه در دلیل آوردن برای معناست، در واقع معنای کنایی به خاطر داشتن دلیل، مورد قبول واقع می‌شود، زیرا معنایی که برهان، پشتوانه آن باشد، بیشترین تأثیر و قدرت اقناع را دارد» (رمضان و نصیره، ۶۵). گویی جهت اثبات برتری امام (ع) ورد اتهامات و قیاس‌های نابجا، پاره‌ای از سخنان ایشان در قالب اسلوب کنایه عرضه می‌شود تا مخاطب با توجه به دلیلی که در اسلوب کنایی وجود دارد امکان انکار آن را نداشته باشد، به عنوان نمونه آنگاه که ایشان از بزرگی مقام و شرافت خویش سخن می‌گوید این معنا در قالب عبارت کنایی «يُنَحْدِرُ عَنِّي السَّيْلُ» بیان

می‌شود، جاری شدن سیل علوم و حکمت از جانب امام (ع) به سوی مردم دلیلی است بر ادعای بزرگی مقام و شرافت ایشان.

در باب تصویرپردازی باید این نکته را اضافه کرد که تصویرپردازی خود، به دو بخش تصاویر بلاغی و حقیقی تقسیم می‌شود. «تصویر حقیقی تصویری است که شاعر از خلال آن، موضوعی را با الفاظ حقیقی و عبارات توصیفی صرف، به تصویر می‌کشد» (جهنی، ۱۷۳). بررسی تصاویر موجود نشان می‌دهد که تمامی تصاویر موجود در گفتمان امام (ع) تصاویر بلاغی هستند که در قالب استعاره، کنایه و تشبیه عرضه شده‌اند. «تصاویر بلاغی به نسبت تصاویر حقیقی واضح‌تر هستند، زیرا جهت درک و اثبات تصاویر حقیقی به دقت بیشتری نیاز است، در واقع تصاویر حقیقی مانند تفسیر و توضیح هستند و گاهی اوقات برای توضیح تصویر حقیقی از تصویر بلاغی استفاده می‌شود» (همان). به عنوان نمونه درک شدت پرخوری به عنوان یک تصویر حقیقی شاید برای مخاطب سخت باشد، لذا از طریق تصویر بلاغی مانند «بَخْضَمُونَ مَالَ اللَّهِ خِضْمَةَ الْإِبِلِ» تصویر حقیقی مورد نظر برای او توضیح داده می‌شود، بنابراین تصویر بلاغی نقش تفسیری دارد و واضح‌تر است، به صورت کلی اینگونه به نظر می‌رسد که امام (ع) تحت شرایط خاص، تبیین بخشی از واقعیت‌ها را به دور از هرگونه پوشیده‌گویی، جهت دفاع از خویش و همچنین اثبات جایگاه خویش امری ضروری می‌داند، شاید بتوان گفت این ضرورت، دلیل گزینش بیان تصویری از جانب ایشان است که به نسبت عبارات صریح در زمینه تولید زبانی از قدرت بیشتری برخوردار هستند، اما نکته جالب توجه این است که از میان انواع تصاویر (حقیقی و بلاغی) باز هم بهترین گزینش صورت پذیرفته و از تصاویر بلاغی که واضح‌تر و آشکارترند و فهم معنا از طریق آن به دقت زیادی احتیاج ندارد، جهت به تصویر کشیدن این حقایق استفاده شده است، از طرفی گفته شد که یکی از اهداف ایراد خطبه راهنمایی و ارشاد مخاطب جهت شناخت و انتخاب رهبری شایسته است، به نظر می‌رسد جهت تحقق هدف مذکور با ایجاد فضایی مقایسه‌ای و بیان حقایق در این فضا، مخاطب در شرایطی قرار می‌گیرد که خود خواهد توانست با یقین کامل به نتیجه مطلوب دست یابد، در واقع، خصوصیات و ویژگی‌های امام (ع) و خلفای پیشین در قالب تصاویر بلاغی و در فضایی مقایسه‌ای به مخاطب عرضه می‌شود و به این ترتیب جایگاه و ارزش امام (ع) و همچنین برتری ایشان، برای مخاطب ثابت می‌شود.

در ابتدای خطبه با عبارات کنایی «يُنْحَدِرُ عَنِّي ... إِلَى الطَّيْرِ» به کمالات و علو درجه علمی ایشان اشاره می‌شود، گویی این عبارت در مقابل عبارت کنایی «يَكْتَرُ.. الْأَعْتِدَارُ مِنْهَا» قرار می‌گیرد، چون «عمر درباره احکام الهی سریعاً حکم می‌داد و پس از دقت آن را خطا می‌یافت و ناگزیر بود عذرخواهی کند» (ابن میثم، ۱/۱۶۵). از جمله دلایل پذیرش خلافت از جانب امام (ع) در عبارت کنایی «أَخَذَ اللَّهُ ...

سَعَبٍ مَظْلُومٍ» مبارزه با قدرت طلبی ظالم و یاری رساندن به مظلوم بیان شده است و این نشان از احترامی است که امام (ع) برای مردم قائل بودند، اما «فَصَيَّرَهَا ... خَسَنَاءَ» «يَغْلُظُ كَلِمَهَا» «يُخْشِنُ مَسْهَهَا» کنایه از زخم زبان و طبیعت خشن عمر است که مانع از میل مردم به او و معاشرت با او می‌شد.

دیدگاه امام (ع) نسبت به دنیا با عبارت کنایی «عَفْطَةَ عَنَزٍ» (آب بینی یا تیز بز) برای مخاطب مشخص می‌شود در حالی که سوء استفاده خلفای پیشین از منصب خلافت و بیت‌المال در قالب تصاویر «لَسَدًا مَا... صَرَغِيهَا»، «نَافِجًا... وَ مُعْتَلِفِهِ» و «يُخْصَمُونَ ... الرَّبِيعِ» برای مخاطب توصیف می‌شود.

از آنجا که، «یکی از عوامل گزینش استراتژی تلمیحی، بالا بردن شخصیت خود در نظر دیگران و برتری بخشیدن به آن از طریق ذکر معایب دیگران و کم کردن ارزش آن‌هاست» (شهری، ۱۷۲). شاید بتوان گفت بیان این ویژگی‌ها در این فضا، پاسخی در برابر اقدام مخاطب است که به مقایسه بین امام (ع) و خلفای پیشین پرداخته و برتری ایشان بر سایر خلفا را انکار می‌کند، لذا امام (ع) از این رهگذر جایگاه واقعی خویش را از طریق ذکر معایب دیگران به مخاطب می‌فهماند.

نکته دیگر اینکه در گفتمان امام (ع) تصویر حیوانات از جمله ابزارهای اصلی است که با استفاده از آن به خلق تصاویر مورد نظر پرداخته شده، در این خطبه جهت توصیف بعضی از مفاهیم از تصاویری استفاده شده که آشنایی مخاطب با آن تصاویر، او را در درک بهتر این مفاهیم یاری رسانده، در واقع در نظر گرفتن شرایط زندگی مخاطب و استفاده از آن جهت انتقال هرچه بهتر مفاهیم، نشان از مخاطب‌شناسی حضرت (ع) دارد. به عنوان نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

تشبیه عمر به شتر و اسب سرکش «فَمَنْبِي ... اَعْتَرَا ضِي» تشبیه عثمان و خویشاوندانش در سوء استفاده از اموال بیت‌المال، «أَنْ قَامَ ... مُعْتَلِفِهِ»، «وَمَا أَخَذَ ... نَبْتَةَ الرَّبِيعِ». تشبیه اجتماع مردم به گله گوسفند، «كَرْبِيضَةِ الْعَنَمِ» و یال گفتار، «النَّاسُ كَعُرْفِ الضَّبُعِ إِلَى». تشبیه دنیا و منصب خلافت به آب بینی بزغاله، «لَأَلْفَيْتُمْ ... عَنَزٍ».

#### ب: صنایع بدیعی معنوی

در گفتمان ایشان از میان صنایع بدیعی معنوی، صنعت تضاد از بسامد بالایی برخوردار است تضاد به خاطر برخورداری از ویژگی تقابل معنایی در بخش‌هایی از گفتمان امام (ع) نقش بسزایی در تأکید معانی و تداعی آن در ذهن مخاطب داشته است «زیرا یکی از اهداف تضاد، تأکید معنا و ابراز آن می‌باشد». (عوده و احمد صالح، ۲۰۰۳: ۹۳) انواع تضاد در گفتمان امام (ع) عبارت‌اند از:

«تِلْكَ شِقْشِقَةٌ هَدَرَتْ ثُمَّ قَرَّتْ»، «وَمَا أَخَذَ... كَطَّةٍ ظَالِمٍ وَلَا سَعَبٍ مَظْلُومٍ» «لَسَقَيْتُ آخِرَهَا بِكَأْسِ أَوْلَاهَا» «يَهْرُمُ فِيهَا الْكَبِيرُ ... الصَّغِيرُ» «فَصَاحِبُهَا ... أُشْنِقَ ... إِنْ أَسْلَسَ ...»

مثلاً بعد از توصیف درآمیختگی اوضاع زمان خلیفه اول، جهت توصیف شدت این اوضاع از الفاظ متضاد، استفاده شده «يَهْرُمُ فِيهَا الْكَبِيرُ ... الصَّغِيرُ» تا به این شکل به مخاطب فهمانده شود این اوضاع نابسامان به حدی شدید بود که تمام افراد جامعه را درگیر کرده و همه از آن رنج می بردند، گویی درگیری تمام افراد جامعه، تأکیدی بر شدت این درآمیختگی می باشد.

### دوم: بررسی ساختار درونی (عاطفه)

از جمله شیوه های مهم بروز عاطفی در گفتمان تصویرپردازی عاطفی است. «در حقیقت برای بروز احساسات در گفتمان وجود چهارچوبی صحنه ای، امری ضروری است، یعنی عنصری عاطفی را در قالب زمان، مکان و با توجه به عوامل بشری و غیر بشری مرتبط با آن در نظر بگیریم، به عنوان نمونه اگر در متنی با وضعیت عاطفی خشم مواجه باشیم باید به دنبال صحنه ای باشیم که خشم به نوعی نتیجه آن باشد» (شعیری، ۱۵۹). در خطبه مذکور احساسات عاطفی مشابهی که همگی دارای یک محور عاطفی اند، مشاهده می شود که در بخش های مختلف، در قالب صحنه های عاطفی مختلف بروز پیدا کرده است. احساساتی که همچون شعله های آتش زبانه کشیده و یک باره فرو می نشیند. در این بخش به ذکر و تحلیل چند نمونه پرداخته می شود:

حس عاطفی تنفر از دنیا و عدم دلبستگی به مقام دنیوی در قالب عبارات کنایی «لَأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا ..... مِنْ عَفْطَةِ عَنَزٍ» مطرح می شود، حضرت (ع) برخلاف خلفای پیشین که با حرص شدید به سوء استفاده از خلافت و اموال بیت المال مسلمانان می پرداختند، حس تنفر خویش را نسبت به دنیا، در قالب این تصاویر بیان می فرماید شاید بتوان گفت وجود این حس، بعضی اتهاماتی را که متوجه ایشان است برطرف می کند.

یا مثلاً عبارت «فَصَبْرْتُ ... سَجًا» تصویری گویا از اوج ناراحتی حضرت (ع) در آن سال های پر رنج می باشد، حس عاطفی تنهایی که از جمله دلایل عدم قیام در برابر مسأله غصب خلافت است نیز در قالب تصویر بلاغی «أَنَّ أَصُولَ بَيْدٍ جَدَاءٌ» بروز می کند.

### تحلیل بینامتنی

بعد از بررسی و تحلیل زبان شناسی متن، به تحلیل روابط بینامتنی پرداخته می شود و آن (بینامتنی) عبارت است از: «تمایل متن ها به ارجاع به یکدیگر و شکل گیری آن ها از طریق این ارجاع متقابل» (میلز، ۱۹۴). بررسی روابط بینامتنی در این پژوهش براساس دسته بندی کاربرد شناسان، تحت عنوان گفتمان مستقیم و غیرمستقیم مورد بررسی قرار گرفته است. «کاربرد آگاهانه و مستقیم متون دیگر در گفتمان را

گفتمان مستقیم می‌نامند» (فضل، ۱۰۱-۱۰۰). در این خطبه، اشکال مختلفی از گفتمان مستقیم همچون گفتمان مستقیم آیه قرآن کریم، شعر و ضرب المثل یافت می‌شود که جهت اقناع مخاطب مورد استفاده قرار گرفته است.

### ۱. گفتمان مستقیم

#### الف: آیات قرآنی

امام (ع) در عبارت «فَلَمَّا نَهَضْتُ ..... يَقُولُ: تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَاداً وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» حضرت (ع) با استشهاد به آیه ۸۳ سوره قصص، یادآور می‌شود که کارشکنان در امر خلافت، به سبب سرکشی و فساد در زمین، از سعادت اخروی محروم می‌شوند. مسلماً آیه قرآنی به سبب جایگاه قرآن در نزد مخاطب در پذیرش مطلب مؤثر خواهد بود.

#### ب: شعر

درباره کاربرد متن شعری «شَتَّانَ مَا يَوْمِي عَلَيَّ كَوْرَهَا - وَيَوْمُ حَيَانَ أَخِي جَابِرٍ» باید به این نکته توجه کرد که: «متن شعری صرفاً بازی با الفاظ و انتقال تجربه شخصی صرف نیست، بلکه هدف آن برانگیختن، تشویق، متقاعد ساختن و برهان آوردن است و این امر در تغییر افکار و اعتقادات مخاطب تلاش می‌کند و او را به تغییر روش و وضعیت و موقعیت وادار می‌سازد» (شهری، ۵۴۳). ابن ابی الحدید اعتقاد دارد: «منظور امام (ع) از آوردن این بیت این است که بین دوران خلافت من که پر از شورش بود و ارکان خلافت دچار تفرقه و آشفتگی بود و دوران خلافت عمر که پایه‌های خلافتش آماده و ارکان خلافتش ثابت و مستقیم و امور خلافت منظم بود، اختلاف زیادی وجود دارد» (ابن ابی الحدید، ۱/۱۶۸). امام (ع) این بیت را در پاسخ به کسانی می‌آورد که بدون در نظر گرفتن اوضاع اجتماعی زمان خلفا، به مقایسه میان امام (ع) و خلفای پیشین پرداخته و در نتیجه شایستگی آن حضرت در امر خلافت را انکار می‌کردند، لذا شاید این بیت جهت تغییر افکار مخاطب آورده شده است تا مخاطب متقاعد شده و از مقایسه غیر منصفانه دست بردارد، در واقع دلیل و برهانی است که نادرست بودن این گونه داوری‌ها را ثابت کرده است.

#### ج: ضرب المثل

«از جمله خصوصیات ضرب المثل آن است که سرشت اقناعی و برهانی دارد، چون ضرب المثل جهت متقاعد ساختن به کار می‌رود» (شهری، ۵۴۳). در توصیف ازدحام جمعیت ضرب المثلی استفاده می‌شود، که نزد مخاطب شناخته شده است «النَّاسُ كَعُرْفِ الصَّبِيعِ» غروی می‌گوید «موی پشت گردن کفتار انبوه است و در ازدحام، ضرب المثل است» (غروی، ۲۳۹). مثلاً در عبارت «تِلْكَ ... قَرَّتْ» «شِقْشِقَةً هَدَرَتْ» ضرب المثل است «شِقْشِقَةً» چیزی شبیه شش است که شتر به وقت هیجان و عصبانیت

از دهانش خارج می‌کند» (همان، ۲۱۳). توصیف خطبه با این لفظ مخاطب را متقاعد می‌سازد که خطبه مذکور گوشه‌ای از احساسات آتشین ایشان بود که سر برآورد و فرو نشست و ایشان به هر دلیل دیگر قصد ایراد ادامه خطبه را ندارند.

### تأثیرگفتمان

تحت تأثیر قرار دادن مخاطب هدفی است که هر گفتمان در پی تحقق آن است، فوکو نیز به عنوان معروف‌ترین نظریه‌پرداز گفتمان اعتقاد دارد که «تنها از طریق ایجاد حقیقت می‌توان تأثیر گذاشت و قدرت را به دست گرفت و حقیقت فقط از راه زبان و تشکیل گفتمان حاصل می‌شود» (صلح جو، ۸۸). در مورد تأثیر خطبه می‌توان به سخن ابن عباس اشاره کرد که خود به بهترین شکل مؤید تأثیر عمیق خطبه بر مخاطب است، ابن عباس می‌گوید: «به خدا سوگند بر هیچ سخنی مانند قطع شدن سخن امام (ع)، این‌گونه اندوهناک نشدم که ایشان نتوانست تا آنجا که دوست دارد به سخن خود ادامه دهد.» (نهج البلاغه: خطبه ۳). «تأثیر خطبه امام (ع) بر شنونده این‌گونه بود و شنونده طبیعتاً انسان عادی نبود او ابن عباس است معروف به دانشمند امت» (موسوی، ۲۲).

### نتیجه‌گیری

انکار جایگاه امام (ع) از سوی مخاطب، قیاس غیر منصفانه و همچنین اتهامات مختلفی که به ناحق متوجه ایشان است، به عنوان بافت موقعیتی، باعث شده است تا ایشان با بهره‌گیری از پتانسیل‌های زبانی و ادبی، از طریق تبیین بعضی حقایق، به اثبات شایستگی‌های خویش، راهنمایی مخاطب در شناخت رهبری شایسته، و همچنین رد اتهامات و قیاس‌های غیر منصفانه پردازد. در این راستا می‌توان گفت: تکرار اصوات لین که از وضوح شنیداری بالایی برخوردارند و همچنین بعضی حروف ساکن همچون (میم، نون، لام) که نسبت به سایر اصوات ساکن از وضوح شنیداری بالاتری برخوردارند، باعث شده که تبیین این حقایق، به دور از هرگونه پوشیده‌گویی صورت پذیرد، همچنین خصوصیت شدت و کوبندگی بعضی حروف مجهور و انفجاری مانند (قاف، تاء و باء) به هنگام اثبات جایگاه ایشان، نقش مهمی در پذیرش سخنان حضرت (ع) دارد.

در خصوص ساختار نحوی کلام شاهد هستیم که مضامین مختلف این خطبه با روش‌های مختلفی همچون تکرار، قسم، جملات اسمیه، آن، مورد تأکید قرار گرفته و در اثبات شایستگی‌های حضرت (ع) و یا رد اتهامات مخاطب مؤثر است.

به جای استفاده از عبارات صریح و تصاویر حقیقی از تصاویر بلاغی که دارای وضوح و قدرت بیانی بیشتر و نامحدودی هستند، جهت تبیین بعضی حقایق استفاده شده است تا معانی مورد نظر به دقیق‌ترین شکل ممکن به مخاطب انتقال یابد، مثلاً از آنجا که استعاره‌های تصریحیه واضح‌ترین استعاره‌ها است و در آن به خاطر ذکر یکی از طرفین تشبیه، معانی مورد نظر به راحتی قابل درک است لذا در تبیین بیشتر حقایق، از الفاظ مستعار استفاده می‌شود تا حقایق به شکلی دقیق و به دور از هرگونه پوشیده‌گویی برای مخاطب توضیح داده شود، یا مثلاً معانی، در عبارات کنایی، با دلیل و برهان ثابت می‌شوند تا مطلب مورد نظر، مورد پذیرش مخاطب قرار گیرد.

احساسات عاطفی، همچون تنفر از دنیا و اندوه و تنهایی در قالب تصاویر مختلف بروز پیدا کرده، درک این احساسات توسط مخاطب، اتهامات همچون ریاست طلبی را از ایشان نفی می‌کند. گفتمان مستقیم آیه قرآن، شعر و ضرب‌المثل نیز از دیگر ابزارهایی است که با هدف اقناع مخاطب و یا تغییر فکر و نگرش او به خدمت گرفته شده‌اند.

## منابع

- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، به تصحیح: محمد ابوالفضل ابراهیم، نوبت اول، قم، کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۳۷.
- ابن جنی، ابی الفتح عثمان، الخصائص، تحقیق: محمد علی نجار، مصر، مکتبه العلمیه، ۱۹۱۳ م.
- ابن جوزی، سبط، تذکره الخواص، تهران، مکتبه نینوی الحدیثه، بی‌تا.
- ابن میثم، علی بن میثم، شرح نهج البلاغة، بی‌جا، دفتر نشر کتاب، ۱۳۶۲.
- انیس، ابراهیم، الاصوات اللغویه، مصر، مکتبه نهضة مصر، بی‌تا.
- جرجانی، عبدالقاهر، دلائل الاعجاز فی علم المعانی، بیروت، المکتبه العصریه، ۲۰۰۳ م.
- جهنی، زید بن محمد بن غانم، الصورة الفنية فی المفضیلات (انماطها، موضوعاتها و مصادرها و سماتها الفنية) الطبعة الاولى، المدینة المنوره، ۱۴۲۵ ق.
- خونی، ابراهیم بن حسین، الدرّة النجفیة، بی‌جا، بی‌تا.
- زارع، آفرین و طاهره طوبایی، «تحلیل خطاب الغدیر علی منهج تحلیل الخطاب الادبی»، فصلیه النقد و الادب المقارن، العدد ۴، ۱۳۹۰، صص ۱۰۲-۷۵.
- زرکه، احمد، اصول اللغة العربیة اسرار الحروف، دمشق، دار الحصاد للنشر و التوزیع، ۱۹۹۳ م.
- زرکشی، محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، به تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، القاهرة، مکتبه دار التراث، الطبعة الثالثة، ۱۹۸۴ م.

- شرشار، عبدالقادر، *تحليل الخطاب الادبي*، دمشق، اتحاد الكتاب العرب، ٢٠٠٦ م.
- شعيري، حميد رضا، *تجزيه و تحليل نشانه-معناشناختي گفتمان*، تهران، سازمان مطالعه و تدوين كتب علوم انساني و دانشگاهها (سمت)، چاپ دوم، ١٣٨٩.
- شهري، عبد الهادي بن ظافر، *استراتيجيات الخطاب مقارنة لغوية تداولية*، بيروت، دار الكتاب الجديدة المتحدة، ٢٠٠٤ م.
- صلح جو، علي، *گفتمان و ترجمه*، تهران، نشر مركز، چاپ چهارم، ١٣٨٥.
- عرب، عباس و همكاران، «سبك شناسی خطبه شقشقيه»، *همايش نهج البلاغه*، ١٣٩١، صص ٣٠٨٤-٣٠٦٧.
- عوذة، خليل و اسامة عبد الملك ابراهيم عثمان، *ظواهر اسلوبية و فنية في سورة النحل*، رسالة الماجستير، جامعة النجاح الوطنية، نابلس، فلسطين، ٢٠٠١ م.
- عوذة، خليل و معين رفيق احمد صالح، *دراسة اسلوبية في سورة مريم*، رسالة الماجستير، جامعة النجاح الوطنية، نابلس، فلسطين، ٢٠٠٣ م.
- غروي، محمد، *الامثال و الحكم المستخرجة من نهج البلاغه*، قم، انتشارات اسلامي، ١٣٦٥.
- فاضلي، مهسا، *جاىگاه امام على (ع) در تفسير و علوم قرآني*، تهران، انتشارات دستان، ١٣٨٣.
- فتوحى رود معجنى، محمود، *سبك شناسي*، تهران، انتشارات سخن، چاپ اول، ١٣٩١.
- فركلاف، نورمن، *تحليل انتقادي گفتمان*، ترجمه: فاطمه شايسته پيران و همكاران، تهران، وزارت فرهنگ و اسلامي، چاپ سوم، ١٣٧٩.
- فضل، صلاح، *بلاغة الخطاب و علم النص*، الكويت، عالم المعرفة، ١٩٩٢ م.
- كريپ، رمضان و نصيرة بلحسيني، *الصورة الفنية في قصة سيدنا يوسف (ع)*، رسالة الماجستير، جامعة ابى بكر بلقايد، تلمسان، ٢٠٠٦ م.
- موسوي، محسن باقر، *المدخل الى علوم نهج البلاغه*، بيروت، دارالعلوم، الطبعة الاولى، ٢٠٠٢ م.
- ميلز، سارا، *گفتمان*، ترجمه: فتاح محمدى، زنجان، هزاره سوم، چاپ دوم، ١٣٨٨.
- نورى، محمد جواد و عاليه محمود ياسين، *الدرس الصوتي في التراث البلاغي العربي حتى النهاية القرن الخامس الهجري*، رسالة الماجستير، جامعة النجاح الوطنية، ٢٠٠٣ م.
- ولوى، على محمد و شهلا بختيارى، «سياسة مذهبي خلفاى راشدين»، *فصلنامه تاريخ اسلام*، سال دوم، ١٣٨٩، شماره ٦.
- هاشمى خوئى، حبيب الله، *منهاج البراعة في شرح نهج البلاغه (الخوئى)*، به تصحيح: سيد ابراهيم ميانجى، تهران، مكتبة الاسلامية، نوبت چهارم، ١٣٥٨.



